

نقش پس‌اضافه‌ها در اعطای حالت (مطالعه‌ای موردی در گویش تالشی)

مهرداد نغزگوی کهن (عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی‌سینا)

چکیده: هسته می‌تواند شکل وابسته‌ها را تعیین کند. به این امر حاکمیت می‌گویند. در بسیاری از زبان‌ها، هسته‌های فعلی و حروف‌اضافه‌ای، براساس این حاکمیت، می‌توانند، با اعطای نشانه‌های حالت به وابسته‌های خود، شکل صرفی آنها را تغییر دهند. وظیفه نشانه‌های حالت نشان دادن روابط دستوری میان هسته و وابسته‌ها و روشن نمودن نقش‌های معنایی است. گاهی حروف اضافه همه این نقش‌ها را به‌تنهایی به عهده می‌گیرند و از نشانه‌های حالت استفاده نمی‌گردد. با این حال، استفاده از نشانه‌های حالت در زبان‌هایی که تصریف غنی دارند امری طبیعی به شمار می‌رود. گویش تالشی در زمره چنین زبان‌هایی قرار می‌گیرد. این گویش از جمله زبان‌های ایرانی شمال غربی است که در قسمت‌هایی از استان گیلان و نیز جمهوری آذربایجان تکلم می‌گردد. در این تحقیق، گونه تالشی ماسال مورد بررسی قرار می‌گیرد. ما، در ابتدای این مقاله، دو سازوکار نشانه‌های حالت و حروف اضافه و نقش‌های آنها را مورد توجه قرار می‌دهیم. سپس نشان خواهیم داد که در بعضی زبان‌ها، هم‌زمان، از هر دو امکان برای بازنمودن روابط دستوری و نقش‌های معنایی استفاده می‌شود. در ادامه مقاله، نظام حالت گونه تالشی ماسال را به طور مختصر توصیف می‌کنیم و نشان می‌دهیم که این گونه، در زمان حال، دارای نظام حالت

مفعولی و، در زمان گذشته، دارای نظام غیرفاعلی دوگانه است. این نظام مبین دستوری‌شدگی ترتیب کلمات و کم‌رنگ‌تر شدن تمایزدهندگی نشانه‌های حالت است. نکته حائز اهمیت در این گویش وجود پس‌اضافه‌هاست که، با توجه به حاکمیت خود بر اسم / گروه‌های اسمی، موجب اعطای نشانه‌های غیرفاعلی به اسم / گروه اسمی وابسته خود می‌شوند و، از این رهگذر، نقش‌های معنایی و روابط دستوری را مشخص می‌کنند. از آنجاکه پس‌اضافه‌ها یکی از منابع اصلی به‌وجود آمدن پسوندهای نشانه‌ی حالت هستند، حتی با وجود نظام غیرکارآمدی مثل نظام غیرفاعلی دوگانه نمی‌توان انتظار داشت که نشانه‌های حالت به‌سرعت در این زبان از بین برود. تبدیل پس‌اضافه به پسوند حالت را هم‌اکنون نیز می‌توان در این گونه مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌ی حالت، پس‌اضافه، غیرفاعلی دوگانه، دستوری‌شدگی، تالشی

۱. مقدمه

نشانه‌های حالت از جمله امکانات صرفی هستند که از آنها برای بازنمودن نوع رابطه‌ی اسامی وابسته با هسته‌هایشان استفاده می‌شود. نشانه‌های حالت بر روی گروه‌های اسمی / اسامی وابسته قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر، نظام‌های حالت در زبان‌هایی وجود دارد که، در آنها، وابسته‌ها نشاندار می‌شوند^۱. نشانه‌های حالت بیشتر براساس روابط دستوری و یا معیارهای معنایی اعطا می‌شود^۲. بر این اساس، حالت‌ها به دو دسته دستوری و معنایی قابل تقسیم‌اند. البته گاهی این تمایز تیره می‌شود، زیرا حالت‌های دستوری می‌توانند نقش معنایی نیز داشته باشند؛ مثلاً نقش معنایی کنشگر^۳ در بسیاری از موارد در رابطه‌ی دستوری فاعل نمود می‌یابد، ولی این امر همیشه رخ نمی‌دهد و

(۱) برای توضیحات بیشتر در مورد نشاندار کردن هسته یا وابسته در زبان‌ها، رک: مقاله کلاسیک نیکولز (۱۹۸۶).

(۲) تحقیقات رده‌شناختی متأخر نشان داده است که، علاوه بر روابط دستوری و معیارهای معنایی، معیارهای کاربردشناختی نیز بر اعطای حالت تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، بعضی نشانه‌های حالت براساس هیچ‌کدام از معیارهای معنایی، کاربردشناختی و روابط دستوری اعطا نمی‌شوند و تنها برای نقش معینی در موارد محدودی به‌کار می‌روند؛ این وضعیت در گستره وسیعی از زبان‌ها دیده می‌شود. کامری به تفصیل به این مسئله پرداخته است (کامری ۱۹۸۹: ۱۲۴-۱۳۷). در این تحقیق، تنها به معیارهای معنایی و روابط دستوری توجه کرده‌ایم.

3) agent

گاهی کنش‌پذیر^۱ نیز می‌تواند در نقش فاعل جمله ظاهر شود. از طرف دیگر، حالت‌های معنایی نیز می‌توانند نقش دستوری ایفا کنند. در زیر، تناظر روابط دستوری و نقش‌های معنایی و نشانه‌های حالت را مورد توجه قرار می‌دهیم.

۱-۱. روابط دستوری و نشانه‌های حالت

منظور ما از روابط دستوری روابط صرفاً نحوی است که میان گروه اسمی و فعل وجود دارد. روابط دستوری عبارت‌اند از فاعل، مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم (رک: کامری ۱۹۸۹: ۶۵). این روابط نحوی را با استفاده از نشانه‌های تصریفی حالت می‌توان باز نمود. فعل هسته است و بنابراین، صورت صرفی وابسته‌های خود، یعنی فاعل و مفعول‌ها را تعیین می‌کند. به طور کلی، تعیین صورت وابسته‌ها به وسیله هسته حاکمیت^۲ نامیده می‌شود (هَسِیْلَمَت ۲۰۰۲: ۹۰). با توجه به این حاکمیت است که فعل به فاعل و مفعول مستقیم و مفعول غیرمستقیم نشانه‌های حالت مقتضی را اعطا می‌کند. براساس نوع نشانه‌گذاری صرفی فاعل و مفعول، می‌توان زبان‌های جهان را به نظام‌های حالت مختلفی تقسیم کرد؛ مثلاً در نظام حالت فاعلی-مفعولی^۳ نشانه حالت فاعل فعل لازم و متعدی مانند هم است و حالت فاعلی نام دارد و در تقابل با نشانه حالت مفعول فعل متعدی (یعنی نشانه حالت مفعولی) قرار دارد. در نظام حالت ارگتیو-مطلق^۴ نشانه حالت فاعل لازم و مفعول فعل متعدی مانند هم است و حالت مطلق نامیده می‌شود. این نشانه در تمایز با نشانه حالت فاعل متعدی قرار دارد. نشانه حالت اخیر ارگتیو نامیده می‌شود.^۵ این دو نظام از جمله نظام‌های رایج حالت هستند که در گستره وسیعی از زبان‌ها دیده می‌شوند. طبقه‌بندی نظام‌های حالت اساساً بر پایه طبقه‌بندی اولیه‌ای است که ساپیر^۶ (۱۹۱۷) برای نخستین بار به دست داده است. در این طبقه‌بندی، ساپیر از نظام فعال (- غیرفعال)^۷ نیز سخن به میان می‌آورد که از دایره بحث ما خارج است.^۸

1) patient

2) government

3) nominative-accusative

4) ergative-absolutive

۵) برای توضیح بیشتر در مورد نظام‌های ارگتیو و خصوصیات آنها، رک: دیکسون (۱۹۹۴).

6) Sapir

7) active(-inactive)

۸) برای توضیح بیشتر در این مورد، رک: هریس و کمبل (۱۹۹۵: ۲۴۰-۲۴۳).

بعدها، با توصیف زبان‌های مختلف در سراسر جهان، نظام‌های دیگری نیز به این فهرست اضافه شد و مشخص شد بسیاری از زبان‌ها خصوصیتی را از خود نشان می‌دهند که، درعین حال، می‌توان آنها را متعلق به بیش از یک نظام حالت دانست.^۱ البته نظام‌های حالت کم‌وقوع‌تری نیز در بین زبان‌های جهان دیده شده است. ما، در اینجا، تنها به نظام غیرفاعلی دوگانه^۲ اشاره می‌کنیم که در گونه‌هایی از گویش تالشی از جمله گونه تالشی ماسال دیده شده است. در این نظام، نشانه حالت فاعل و مفعول در جمله متعددی یکی است و غیرفاعلی^۳ نامیده می‌شود. این نشانه در تمایز با حالت فاعل فعل لازم، یعنی نشانه حالت مطلق^۴ قرار دارد. از وجود این نظام در زبان‌های ایرانی شرقی، مانند زبان روشنی و زبان‌های ایرانی غربی از جمله وُفسی، کفتجی (تاتی) و بلوچی غربی، اطلاع داریم.^۵ در این زبان‌ها، نظام غیرفاعلی دوگانه در زمان گذشته قابل مشاهده است.

همان‌طور که از توضیحات فوق برمی‌آید، نظام‌های حالت براساس نشانه مفعول غیرمستقیم (نشانه حالت مفعول غیرصریح) از هم متمایز نمی‌شوند، گرچه مفعول غیرمستقیم از جمله روابط دستوری محسوب می‌شود و فعل بر اعطای حالت به آن حاکمیت دارد.

۲.۱. نقش‌های معنایی و نشانه‌های حالت

علاوه بر حالت‌هایی که بر اساس روابط دستوری اعطا می‌شوند، نشانه‌های حالت دیگری نیز در زبان‌های جهان یافت می‌شوند که به لحاظ ماهیت بیشتر معنایی هستند. این نشانه‌های حالت را می‌توان به دو دسته حالت‌های محلی^۶ و حالت‌های غیرمحلی^۷ تقسیم کرد (بلیک ۲۰۰۴: ۱۵۱):

۱. حالت‌های محلی - مواردی چون حالت‌های به‌ای^۸، دری^۹، و ازی^{۱۰} در زمره حالت‌های محلی قرار می‌گیرند.

۱) برای توصیف مشخصه‌های انواع نظام‌های حالت، رک: بلیک (۲۰۰۴: ۱۱۸-۱۳۰).

2) double oblique 3) oblique 4) absolute

۵) برای زبان روشنی، رک: پین (۱۹۸۰: ۱۵۵) و وِندتَلَنَد (۲۰۰۸)؛ برای سه زبان غربی دیگر به همراه مثال‌ها، رک: استیلو (۲۰۰۹: ۷۰۶).

6) local cases 7) non-local cases 8) allative
9) locative 10) ablative

۲. حالت‌های غیرمحلّی - مهم‌ترین حالت غیرمحلّی، حالت اضافی^۱ است. این حالت دارای نقش معنایی است و مالک را مشخص می‌سازد. حالت اضافی وابسته اسمی (یعنی مالک) را نشاندار می‌کند.

۳.۱. حروف اضافه^۲ و روابط دستوری و معنایی

در بالا دیدیم که از نشانه‌های حالت برای بازنمودن روابط دستوری و معنایی استفاده می‌شود. امکان دیگری که در زبان‌ها برای بازنمودن این روابط وجود دارد استفاده از حروف اضافه است؛ مثلاً در زبان ژاپنی، نشانه حالت وجود ندارد و روابط دستوری با پس‌اضافه‌ها بازنموده می‌شود. در این زبان، پس‌اضافه‌های *ga*، *ni* و *o* به ترتیب نشانه فاعل، مفعول غیرمستقیم و مفعول مستقیم هستند (کونو: ۱۹۷۸):

1. John ga Mary ni Tom o syookaisita. «جان تام را به مری معرفی کرد.»

با توجه به ملاحظات فوق، معلوم است که حروف اضافه می‌توانند در زبان همان نقش‌هایی را به عهده بگیرند که نشانه‌های حالت عهده‌دار آنها هستند. این همپوشی نقشی می‌تواند دلیل تاریخی داشته باشد. در واقع، به لحاظ تاریخی بسیاری از نشانه‌های حالت در ابتدا پس‌اضافه بوده‌اند (رک: هلمبرشت ۲۰۰۸: ۱۳۹ و ۱۴۱). این تحول تاریخی (یعنی چگونگی به وجود آمدن نشانه‌های حالت) به روشنی در چارچوب دستوری‌شدگی تبیین شده است (هاینه و کوتوا ۲۰۰۷: ۶۲؛ نیز رک. نغزگوی کهن ۱۳۸۷)؛ مثلاً در زبان تالشی شمالی که در جمهوری آذربایجان تکلم می‌گردد، پس‌اضافه‌ها به صورت مقید درآمده‌اند و ناظر بر حالت‌های دری هستند. شولتز (۲۰۰۰: ۱۵) این وندها را، به علت منشأ اولیه‌شان که هنوز در زبان قابل‌شناسایی است، شبه‌حالت^۳ می‌نامد. در تالشی جنوبی گونه ماسال نیز، این امر را در مورد پسوند *-na* و *-de*

1) genitive

۲) حروف اضافه (adpositions) در زبان‌های جهان به صورت پیش‌اضافه (preposition)، پس‌اضافه (postposition)، و پیراضافه (circumposition) به کار می‌رود. پیش‌اضافه‌ها قبل از گروه اسمی، پس‌اضافه‌ها بعد از آن و پیراضافه‌ها قبل و بعد از آن به کار می‌روند.

3) pseudo-case

می‌توانیم مشاهده کنیم (رک: بخش ۱.۵ و ۲.۵ همین مقاله). براساس این تشابه نقشی نشانه‌های حالت و حروف اضافه، بعضی زبان‌شناسان نشانه‌های حالت را به دو دسته نشانه‌های حالت ترکیبی و نشانه‌های حالت تحلیلی تقسیم می‌کنند (بلیک ۲۰۰۴: ۹). نشانه‌های حالت ترکیبی، همان پسوندهای مقید حالت هستند و نشانه‌های حالت تحلیلی برای اشاره به حروف اضافه به کار می‌روند.

۴.۱. تعامل حروف اضافه و نشانه‌های حالت

در بسیاری از زبان‌ها، هم حروف اضافه و هم نشانه‌های حالت وجود دارد. در بعضی زبان‌ها نیز، برای باز نمودن یک رابطه دستوری یا معنایی، گاهی، هم‌زمان، هم از حروف اضافه و هم از نشانه‌های حالت استفاده می‌شود. لاتین زبانی است که در آن هم نشانه‌های حالت تحلیلی (پیش‌اضافه) و هم نشانه‌های حالت ترکیبی وجود دارد. در این زبان، پسوند حالت و پیش‌اضافه با هم رابطه اسامی با افعال را بازمی‌نمایند (رک: بلیک ۲۰۰۴: ۹-۱۰). در بسیاری از مواقع، حرف اضافه در مقام هسته، با توجه به حاکمیت خود بر گروه اسمی / اسم، موجب اعطای حالت خاصی به آن می‌شود. در زبان انگلیسی، پیش‌اضافه‌ها بر حالت مفعولی حاکمیت دارند (مثلاً *with me, from her*)، ولی در بعضی زبان‌ها، هر دسته‌ای از حروف اضافه ناظر بر حالت مختلفی است. مثلاً در زبان آلمانی، بعد از پیش‌اضافه‌های *bis* «تا»، *durch* «از میان»، *für* «برای»، *gegen* «روبروی / ضد»، *ohne* «بدون»، *um* «دور» و *wider* «ضد»، گروه اسمی با نشانه حالت مفعولی می‌آید و بعد از پیش‌اضافه‌های *ab* «از»، *aus* «(خارج) از»، *außer* «جز»، *bei* «نزد، نزدیک»، *gemäß* «بر طبق»، *laut* «به گفته»، *mit* «با»، *nach* «بعد از»، *seit* «از»، *von* «از» و *zu* «به»، گروه‌های اسمی با نشانه حالت مفعول غیرصریح^۱ به کار می‌روند.^۲

در زبان ترکی، پس‌اضافه‌ها ناظر بر اعطای حالت هستند (بلیک ۲۰۰۴: ۲)؛ مانند *dolayı* «به خاطر» (*toplanti-dan dolayı*) «به خاطر جلسه» و *sonra* «بعد از» (*tiyatrrro-dan sonra*) «بعد از تئاتر».

1) dative

۲) برای مثال‌های عینی و توضیحات بیشتر، رک: داد و دیگران (۲۰۰۳: ۲۳-۳۵)؛ نیز فاکس (۲۰۰۵: ۱۷۶).

۲. نظام‌های حالت در گونه‌های مختلف تالشی

تالشی از جمله زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است. این گویش در بعضی مناطق جمهوری آذربایجان و همچنین مناطق کوهستانی گیلان تکلم می‌گردد. گونه‌های مختلف تالشی به سه دسته شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم می‌شود (استیلو ۱۹۸۱). در این گونه‌ها انواع مختلف نظام‌های حالت قابل مشاهده است. بارزترین آنها استفاده از نظام مفعولی در زمان حال و نظام ارگتیو در زمان گذشته است.^۱

گاهی نیز، درعین حال، بیش از دو نظام حالت در یک گونه دیده می‌شود. مثلاً شولتزه (۲۰۰۰) در مطالعه تالشی شمالی نظام‌های حالت زیر را تشخیص داده است:

۱. نظام مفعولی که در زمان حال کاربرد دارد؛

۲. نظام ارگتیو که در زمان گذشته به کار می‌رود. این نظام در مورد آن دسته از افعال متعددی کاربرد دارد که مفعول آنها اول یا دوم شخص نیست (همان: ۱۳، ۴۱)

۳. نظام نادر سه‌گانه^۲ که، در آن، فاعل فعل لازم و متعدی و نیز مفعول فعل متعدی هر یک نشانه‌های حالت متفاوت می‌گیرند. این نظام در کاربرد ضمیر اول شخص کاربرد دارد (همان: ۴۲).

۴. شولتزه (همان: ۴۸)، تقریباً در پایان تک‌نگاری خود، به مواردی از جملات در زمان دستوری گذشته اشاره می‌کند که، در آنها، رفتار مفعولی، ارگتیو یا سه‌گانه دیده نمی‌شود. بارزترین این جمله‌ها جمله زیر به نقل از میلر (۱۹۵۳: ۱۷۶) است:

2. čama nemek-i hārd-a müz-i. مگس نمک ما را خورده است.

شولتزه خود اذعان می‌کند که جمله فوق در تناقض با خصوصیات صرفی-نحوی تالشی شمالی قرار دارد. وی تصریح می‌کند که، در این جمله، پسوند غیرفاعلی هم به فاعل فعل متعدی و هم مفعول آن متصل شده است و، علاوه بر این، مطابقه‌ای در این جمله دیده نمی‌شود. گرچه شولتزه این جمله را مشکوک می‌داند، بر این امر صحه می‌گذارد که عباراتی مشابه در داده‌های میلر (۱۹۵۳: ۱۹۰) مشاهده شده است. جملاتی از این دست را می‌توانیم در گونه‌های تالشی جنوبی نیز مشاهده کنیم. مثلاً رضایتی

(۱) برای مثال‌ها و شواهد رک: رضایتی کیشه‌خاله (۱۳۸۲ و ۱۳۸۴) و کلباسی (۱۳۶۷).

2) tripartite

کیشه‌خاله (۱۳۸۴: ۱۱۹)، با نقل دوباره جمله شماره ۲ از تالشی شمالی و به دست دادن جمله دیگری از تالشی جنوبی (جمله شماره ۳)، آن را ارگتیو می‌خواند:

3. Hasan-e palang-e vinn-a. حسن پلنگ را دید.

در جمله اخیر، نشانه غیرفاعلی -e هم به Hasan و هم به palang متصل شده است؛ بنابراین، مبین نظام غیرفاعلی دوگانه است. در تالشی ماسال، که از گونه‌های تالشی جنوبی است، نظام حالت غیرفاعلی دوگانه در زمان گذشته افعال متعدی کاربرد بسیار عام‌تری دارد؛ در زمان حال این گونه نیز از نظام حالت فاعلی - مفعولی استفاده می‌شود.

۱.۲. نظام فاعلی - مفعولی در زمان حال گونه ماسال

همان‌طور که در بالا گفتیم، در این نوع نظام، نشانه حالت فاعل فعل لازم (S) مانند فاعل فعل متعدی (A) است و با نشانه‌ای که به مفعول فعل متعدی (P) متصل می‌شود تفاوت دارد:

جدول ۱. نشانه‌های حالت، در زمان حال

حالت هسته‌ای	نشانه	مثال
S sing.	∅	4. âftâv âsmâni ku barma. آفتاب در آسمان می‌درخشد.
S pl.	-en	5. gulen bahâri ku âban. گل‌ها در بهار می‌شکفند.
A sing.	∅	6. Maryam Esmâli ševâri kêrâ derza. مریم شلوار اسماعیل را می‌دوزد.
A pl.	-en	7. tâlšên jəma ruz dukunun davandan. تالش‌ها جمع‌ها دکان‌ها را می‌بندند.
P sing.	-i	8. a Hasani daxuna. او حسن را صدا می‌کند.
	-ina ²	9. kamina vây? کدام را می‌گویی؟
P pl.	-un	10. šumna gusandun jangali ku čârəna. چوپان گوسفندها را در جنگل می‌چراند.
	-ân ³	11. pašmân buwa. پشم‌ها را بیاور.

(۱) مواد خام این تحقیق براساس داده‌هایی است که در سال ۱۳۷۳ از دهستان طاسکوه ماسال جمع‌آوری شده است. در اینجا، لازم می‌دانم از آقای بهروز یعقوبی، که در جمع‌آوری داده‌ها به این‌جانب کمک فراوانی نمودند، تشکر نمایم.
(۲) پسوند -ina، در واقع، ترکیبی است از نشانه حالت غیرفاعلی -i و -na؛ صورت اخیر، به احتمال قریب به یقین، در گذشته پس‌اضافه بوده است (نیز رک: بخش ۵. ۱ همین مقاله).
(۳) کاربرد -ân مربوط به مواردی است که هماهنگی واکه‌ای رخ داده است (همگونی ناقص).

جملات فوق به روشنی نشان می‌دهد که، در زمان حال، تالشی ماسال منطبق بر نظام حالت فاعلی-مفعولی است.

۲.۲. نظام غیرفاعلی دوگانه در زمان گذشته گونه ماسال

در نظام غیرفاعلی دوگانه، از یک پسوند حالت یگانه (حالت غیرفاعلی) برای نشاندار کردن فاعل فعل متعدی و مفعول مستقیم استفاده می‌شود؛ این حالت در تمایز با نشانه حالت فاعل فعل لازم قرار دارد:

جدول ۲. نشانه‌های حالت، در زمان گذشته

حالت هسته‌ای	نشانه	مثال
S sing.	∅	12. Hasan xuni ku dalaka. حسن در خون غلتید.
S pl.	-en	13. baziyen umina. بعضی آمدند.
A sing.	-i	14. Maryami xalâwun šuštəša. مریم لباس‌ها را شست.
A pl.	-un	15. dânwun Ali vinda. دانایان علی را دیدند.
P sing.	-i	16. mə tupi havâ ku gârdendama. من توپ را در هوا چرخاندم.
P pl.	-un	17. ženakun xərdanun daxunda. زنان بچه‌ها را صدا کردند.

در جدول فوق، A و P به یک صورت نشانه‌گذاری شده است، این گونه نشانه‌گذاری آشکارا در راستای نظام‌های غیرفاعلی دوگانه است و با نظام ارگتیو که در آن نشانه‌های حالت S و P مانند هم هستند در تقابل است.

۳.۲. انشقاق در نشانه‌گذاری حالت تالشی

با توجه به جدول‌های فوق، در گونه تالشی ماسال نشانه‌گذاری حالت، در زمان حال، از نوع فاعلی-مفعولی و، در زمان گذشته، از نوع غیرفاعلی دوگانه است. به عبارت دیگر، در زمان حال، نشانه‌گذاری مشابهی برای S و A وجود دارد که با P متفاوت است؛ در حالی که، در زمان گذشته، نشانه‌های مشابه A و P با S تفاوت دارد. در مورد اخیر، می‌بینیم که با یکی‌شدن نشانه‌های A و P، ترتیب کلمات نیز برای

شناسایی فاعلِ فعلِ متعدی از مفعول اهمیت می‌یابد. به عبارت دیگر، در زمان گذشته افعال متعدی، ترتیب کلمات دستوری شده است.

۴.۲. شکل ضمایر منفصل در زمان دستوری حال و گذشته

همان‌طور که در بالا دیدیم، نشانهٔ حالت، در تالشی، هم به لازم یا متعدی بودن فعل و هم به زمان فعل حساس است. این امر در ضمایر نیز قابل مشاهده است. یعنی بعضی ضمایر، در حالت‌های مختلف، صورت‌های متفاوتی دارند. اکثر این صورت‌های متفاوت را نمی‌توان با قوانین آوایی منظم به هم ربط داد؛ بنابراین، صورت تکمیلی به حساب می‌آیند. در زیر، استفاده از این صورت‌های تکمیلی را، به همراه مثال، در زمان‌های حال و گذشته بازنموده‌ایم.

۱.۴.۲. ضمایر در جایگاه‌های S، A و P در زمان حال

جدول ۳. ضمیر اول شخص

حالت هسته‌ای	ضمیر اول شخص	مثال
S sing.	az	18. az šum. من می‌روم.
S pl.	am	19. ama šayam. ما می‌رویم.
A sing.	az	20. az čə luwa zunum zunum. من حرف او را می‌فهمم.
A pl.	ama	21. ama ay vinam. ما او را می‌بینیم.
P sing.	mə (n)	22. šəma mə(n) vīna. شما من را می‌بینید.
P pl.	ama	23. šəma ama vīna. شما ما را می‌بینید.

جدول ۴. ضمیر دوم شخص

حالت هسته‌ای	ضمیر دوم شخص	مثال
S sing.	tə	24. tə ši. تو می‌روی.
S pl.	šəma	25. šəma šaya. شما می‌روید.
A sing.	tə (təni)	26. tə ay vīni. تو او را می‌بینی.
		27. təni bi ayna xəš bəbi. تو هم باید او را دوست بداری.

مثال	ضمیر دوم شخص	حالت هسته‌ای
28. šəma ali vina. شما علی را می‌بینید.	šəma	A pl.
29. šâya tə bivinən. شاید تو را ببینند.	tə	P sing.
30. aga bešâym aym šəma bivinim. اگر می‌توانستم می‌آمدم شما را ببینم.	šəma	P pl.

جدول ۵. ضمیر سوم شخص

مثال	ضمیر سوم شخص	حالت هسته‌ای
31. a šu. او می‌رود.	a	S sing.
32. aven šun. آنها می‌روند.	aven ¹	S pl.
33. a Hasani daxuna. او حسن را صدا می‌کند.	a	A sing.
34. aven jəma ruz dukunun davandan. آنها جمعه‌ها دکان‌ها را می‌بندند.	aven	A pl.
35. ay vinəm. او را می‌بینم.	ay (ayna)	P sing.
36. az ayna xəšima. من او را دوست دارم.		
37. avun bənaaya â. آنها را بگذارید آنجا.	avun	P pl.

صورت‌های تکمیلی فوق را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۶. ضمایر منفصل گونه تالشی ماسال، در زمان حال

سوم شخص جمع	دوم شخص جمع	اول شخص جمع	سوم شخص مفرد	دوم شخص مفرد	اول شخص مفرد	ضمایر
						حالت‌های هسته‌ای
aven	šəma	ama	a	tə	az	S
aven	šəma	ama	a	tə(təni)	az	A
avun	šəma	ama	ay (ayna)	tə	mə (mən)	P

(۱) به تعبیری، شاید نتوان aven را صورت تکمیلی دانست، زیرا صورت مفرد a است که به آن پسوند جمع -en اضافه شده است؛ -v- را نیز می‌توان واج میانجی دانست. همین امر در مورد صورت avun نیز صادق است.

اگر از هم‌آوایی‌های صرفی^۱ در دوم شخص مفرد و جمع و اوّل شخص جمع صرف‌نظر کنیم، متوجه می‌شویم که براساس جدول فوق، صورت‌های تکمیلی S و A شبیه هم هستند و با P تفاوت دارند. از این نظر، نظام حالت تالشی، در زمان حال، از نوع فاعلی - مفعولی است.

۲.۴.۲. ضمائر در جایگاه‌های S، A و P در زمان گذشته

جدول ۷. ضمیر اول شخص مفرد و جمع

حالت هسته‌ای	ضمیر اوّل شخص	مثال
S sing.	az	38. az umima. من آمدم.
S pl.	am	39. ama əʃtan šimuna. ما خودمان رفتیم.
A sing.	mə (mən) ^۲	40. mə ay vinda. من او را دیدم.
		41. mən a meʃəm kəʃtəma. من آن مگس را کشتم.
A pl.	am	42. ama Ali vinda. ما علی را دیدیم.
P sing.	mə	43. Ali mə vinda. علی من را دید.
P pl.	am	44. Ali ama vinda. علی ما را دید.

جدول ۸. ضمیر دوم شخص مفرد و جمع

حالت هسته‌ای	ضمیر دوم شخص	مثال
S sing.	tə	45. tə əʃtan šira. تو خودت رفتی.
S pl.	šəma	46. šəma əʃtan širuna. شما خودتان رفتید.
A sing.	tə	47. tə Ali vinda. تو علی را دیدی.
A pl.	šəma	48. šəma Ali vinda. شما علی را دیدید.
P sing.	tə	49. ki tə daxunda? چه کسی تو را صدا زد.
P pl.	šəma	50. ay šəma daxunda. او شما را صدا کرد.

1) syncretisms

(۲) بسامد وقوع mən کمتر است.

جدول ۹. ضمیر سوم شخص مفرد و جمع

حالت هسته‌ای	ضمیر سوم شخص	مثال
S sing.	a	51. a əštan ša. او خودش رفت.
S pl.	aven	52. aven əštan šina. آن‌ها خودشان رفتند.
A sing.	ay	53. ay Hasani daxunda. او حسن را صدا کرد.
A pl.	avun	54. avun Ali vinda. آن‌ها علی را دیدند.
P sing.	ay	55. mə ay vinda. من او را دیدم.
P pl.	avun	56. ay avun vinda. او آن‌ها را دید.

صورت‌های تکمیلی فوق را می‌توان در جدول زیر خلاصه کرد:

جدول ۱۰. ضمایر منفصل، در زمان گذشته

حالت‌های هسته‌ای	ضمایر		سوم شخص		دوم شخص		اول شخص	
	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع	مفرد	جمع
S	az		tə	a	ama	šəma	aven	
A	mə (mən)		tə	ay	ama	šəma	avun	
P	mə		tə	ay	ama	šəma	avun	

اگر در اینجا نیز از هم‌آوایی‌های صرفی در دوم شخص مفرد و جمع و اول شخص جمع صرف نظر کنیم، متوجه می‌شویم که، براساس جدول فوق، صورت‌های تکمیلی A و P شبیه هم هستند و با S تفاوت دارند. از این نظر، نظام حالت تالشی، در زمان گذشته، از نوع غیرفاعلی دوگانه است.

۳.۴.۲. هم‌آوایی‌های صرفی

برای شناسایی هم‌آوایی‌های صرفی و مقایسه شفاف‌تر ضمایر منفصل در زمان حال و گذشته، همه این صورت‌ها را در یک جدول گرد آورده‌ایم:

جدول ۱۱. ضمایر منفصل در زمان گذشته و حال^۱

ضمایر زمان	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	اول شخص	دوم شخص	سوم شخص	
	مفرد	مفرد	مفرد	جمع	جمع	جمع	
S	حال	az	tə	a	ama	šəma	aven
	گذشته	az	tə	a	ama	šəma	aven
A	حال	az	tə (təni)	a	ama	šəma	aven
	گذشته	mə (mən)	tə	ay	ama	šəma	avun
P	حال	mə (mən)	tə	ay (ayna)	ama	šəma	avun
	گذشته	mə	tə	ay	ama	šəma	avun

همان‌طور که از جدول فوق پیداست، ضمایر اول شخص و دوم شخص جمع و همچنین ضمیر دوم شخص مفرد، هر یک به تفکیک در زمان حال و گذشته، چه در مقام S، چه A و P، یک صورت بیشتر ندارند. در اول شخص مفرد نیز تعداد صورت‌های mə/mən از az بیشتر است و پیش‌بینی ما این است که، در اثر یکسان‌سازی قیاسی^۲ (رک: تراسک ۱۹۹۶: ۱۰۸-۱۱۲ و سایپر ۱۳۷۶: ۲۷۰-۲۷۲)، صورت az کم‌کم از بین خواهد رفت. در واقع، این امر در بعضی گونه‌های تالشی چون تالشی منطقه شفت و نصیرمحلّه، در جنوب دشت گیلان، آغاز شده است (رک: رضایتی کیشه‌خاله ۱۳۸۴: ۱۱۷).

۳. تعداد نشانه‌های حالت در تالشی و دسته‌بندی آنها

اگر به نشانه‌های حالت به‌کاررفته در هر دو نظام فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی دوگانه دقت کنیم، متوجه می‌شویم چهار نشانه حالت با بسامد وقوع بسیار بالا در هر دو نظام به کار رفته‌اند. این چهار نشانه عبارت‌اند از \emptyset ، -en، -i، -un. اگر به توزیع این چهار امکان توجه کنیم، می‌بینیم که توزیع نحوی \emptyset و -en در هر دو نظام همواره مانند هم

(۱) صورت‌هایی که در داخل پرانتز قرار دارد نیز در پیکره زبانی ما دیده شده است، ولی بسامد وقوع آنها بسیار کم است.

2) analogical leveling

است. تنها تفاوت آنها در شمار است؛ \emptyset با اسم مفرد به کار می‌رود، درحالی‌که -en با اسم جمع می‌آید. همین مشابهت در توزیع نحوی را می‌توانیم در دو پسوند -i و -un مشاهده کنیم. به عبارت دیگر در تالشی ما با دو دسته از نشانه‌های حالت سروکار داریم. علی‌رغم تشابه صوری نشانه‌های حالت در دو نظام حالت موجود در تالشی، نام نشانه‌های حالت در دو نظام فاعلی - مفعولی و نظام غیرفاعلی دوگانه با هم تفاوت دارد. همین امر می‌تواند موجب سردرگمی بسیاری شود:

جدول ۱۲. نام پسوندهای نشانه‌های حالت در دو نظام فاعلی - مفعولی و غیرفاعلی دوگانه

نام نشانه‌های حالت در نظام غیرفاعلی دوگانه	نام نشانه‌های حالت در نظام فاعلی - مفعولی	نشانه‌های حالت
حالت مطلق	حالت فاعلی	\emptyset
		-en
حالت غیرفاعلی	حالت مفعولی	-i
		-un

در ادامه مقاله، برای جلوگیری از این سردرگمی، ما طبق سنت زبان‌شناسان، به‌تسامح، نشانه‌های دسته اول (یعنی \emptyset و -en) را تنها نشانه‌های حالت فاعلی و نشانه‌های حالت دسته دوم (-i و -un) را نشانه‌های حالت غیرفاعلی می‌نامیم.

۴. حالت غیرمحلّی (حالت اضافی)

حالت اضافی که از جمله حالت‌های غیرمحلّی محسوب می‌شود، بدون استفاده از حروف اضافه نمود می‌یابد. در این حالت صرفی، نشانه‌های حالت غیرفاعلی به مالک متصل می‌شود:

57. xari pâluni pige.

پالان خر را بردار.

58. xerdani pâ sista.

پای بچه سوخت.

59. pillatarun luwa bi guš karde.

حرف بزرگ تران را باید گوش داد.

۵. نشانه‌های حالت کم‌سامد دیگر

در پیکره زبانی ما، دو نشانه حالت *-na/-ina* و *-de* نیز قابل تشخیص است. صورت‌های *-na* و *-de* در بعضی گونه‌های تالشی، به صورت پس‌اضافه هستند. در گونه تالشی ماسال، این دو جزء به صورت نشانه حالت درآمده‌اند. همان‌طور که قبلاً (در بخش ۱.۳) نیز گفتیم، در بسیاری از زبان‌های جهان مانند تالشی ماسال، پس‌اضافه‌ها منشأ اولیه نشانه حالت بوده‌اند^۱ و تبدیل آنها به پسوندهای نشانه حالت از رهگذر دستوری‌شدگی صورت می‌گیرد. دستوری‌شدگی معمولاً همراه با سازوکار سایش آوایی صورت می‌گیرد.^۲ در مورد صورت‌های *-na* و به‌خصوص *-de*، بروز سایش آوایی و حذف *-i* از پایه قبلی مشهود است و همین امر ملاک محکمی است که نشان می‌دهد این اجزا دیگر پس‌اضافه نیستند.

۱.۵. پسوند *-ina / -na*

این نشانه، در بسیاری از مواضع، به نشانه غیرفاعلی *-i* متصل شده و صورت *-ina* را ساخته است. این پسوند به همراه *-i* یا به‌تنهایی مبین حالت‌های غیرفاعلی / مفعولی / مفعول غیرصریح، ابزاری^۳ و هم‌کنشی^۴ است.

۱.۱.۵. حالت غیرفاعلی / مفعولی / مفعول غیرصریح

60. har či vindara ayna bevâ. هرچه را دیدی به او بگو.
61. avalina getma amâ dævumi davašte. اولی را گرفتم، ولی دومی فرار کرد.
62. ayna vâm. آن را می‌گویم.
63. əmina vâm. این را می‌گویم.
64. az ayna xəšima. من او را دوست دارم.
65. aga tana xəš bubu, tə ni bi ayna xəš bəbi.

اگر تو را دوست بدارد، تو هم باید او را دوست بداری.

66. kamina vây? کدام را می‌گویی؟

(۱) برای توضیحات بیشتر رک: کولیکوف (۲۰۰۹: ۴۴۰) و هاینه (۲۰۰۹: ۴۶۲).

(۲) برای توضیح در مورد اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی، رک: نغزگوی کهن (۱۳۸۹).

3) instrumental

4) comitative

۲.۱.۵. حالت ایزاری

67. *čagušina mixi taxta ku bežan.* با چکش میخ را به چوب بکوب.
68. *a čarxina mäsâl ša.* او با دوچرخه به ماسال رفت.

۳.۱.۵. حالت هم‌کنشی

69. *Amadi Irajina vindəma.* احمد را با ایرج دیدم.
70. *ama bi dəšbendina davâ bekaram.* ما باید با دشمن بجنگیم.
71. *čarmadunun əštanna bardəmana.* چمدان‌ها را با خودمان بردیم.

۲.۵. پسوند -de

از پسوند *-de* برای بازنمودن حالت ازی استفاده می‌کنند. این پسوند بسامد وقوع بسیار پایینی دارد. پسوند *-de* ماسالی را می‌توان معادل پسوند *(a)da-* در تالشی شمالی دانست. ظاهراً این پسوند از ترکی آذری وام گرفته شده است. در این راستا، میلر (۱۹۵۳: ۷۹) صورت *-ada* را به *antar* ترکی ربط می‌دهد که خود مأخوذ از اندر فارسی است. شولتزه (۲۰۰۰: ۱۵)، به دلایل آوایی و ساختاری، گفتهٔ میلر را رد می‌کند. شولتزه به‌غلط تصور می‌کند که اندر، دراصل، پیش‌اضافه بوده است؛ بنابراین، نمی‌توانسته به پسوند تبدیل شود. می‌دانیم که، در متون متقدم فارسی، به همراه اندر به‌صورت پیرااضافه به کار می‌رفته است (مانند به خانه اندر). در زیر، مواردی از کاربرد پسوند قرضی *-de* را در گونهٔ تالشی ماسالی آورده‌ایم:

72. *tarsde larzima.* از ترس لرزیدم.
73. *az hama səv xävde zu izam.* من هر روز صبح زود از خواب بیدار می‌شوم.
74. *a aminya dasde davašta.* او از دست پلیس فرار کرد.

۶. پس‌اضافه‌های گویش تالشی و اعطای حالت

نظام‌های فاعلی-مفعولی و غیرفاعلی دوگانه (مانند سایر نظام‌های حالت) براساس حاکمیت فعل بر موضوع‌های آن شکل می‌گیرد. همان‌طور که در بالا گفتیم، در زبان‌های جهان این تنها فعل نیست که ناظر بر اعطای حالت به اسامی است؛ حروف اضافه نیز به دلیل حاکمیت خود می‌توانند حالت گروه‌های اسمی / اسامی وابسته را تعیین کنند. گویش

تالشی از جمله زبان‌های اخیر است و، در آن، پس‌اضافه‌ها موجب اعطای حالت غیرفاعلی به گروه اسمی / اسم قبلی خود می‌شوند. این‌گونه کاربرد ناظر بر حالت‌های غیرمحلّی چون حالت اضافی نیست (رک: بخش ۴ همین مقاله). در پیکرهٔ زبانی ما، پس‌اضافه‌های ku و rā قابل تشخیص است. ku پربسامدترین پس‌اضافه است و نقش‌های بیشتری را ایفا می‌کند، ولی rā دارای بسامد وقوع کمتری است. در ادامهٔ این مقاله، به تفصیل به نقش‌ها و کاربردهای این دو پس‌اضافه می‌پردازیم.

۱.۶. پس‌اضافهٔ ku

از این پس‌اضافه برای بازنمودن بیشترِ حالت‌های محلّی استفاده می‌شود. در تمامی موارد، به اسم قبل از آن نشانهٔ -i یا -un متصل شده است. پسوند -i مخصوص اسم مفرد است و پسوند -un به اسم جمع متصل می‌شود. در صورتی که اسم به واکه ختم شود، پسوند حالت به آن متصل نمی‌گردد. همان‌طور که در بالا دیدیم، این نوع نشانه‌گذاری مربوط به حالت غیرفاعلی است. در مورد ضمیرها هم همواره صورت‌های تکمیلی مربوط به حالت غیرفاعلی به کار می‌رود (رک: بخش ۴.۲ همین مقاله).

۱.۱.۶. حالت به‌ای

75. pušti ku takiya kardama. به پشتی تکیه دادم.
76. čagušina mixi taxa ku bežan. با چکش میخ را به چوب بکوب.
77. xari eškam-i ku sumbur dačika. به شکم خر زالو چسبیده است.

۲.۱.۶. حالت دری

78. az bi alân kalâs-i ku bumunum. من باید الآن در کلاس باشم.
79. uru sâb juni qavaxunda ku vindema. امروز صبح جوانی را در قهوه‌خانه دیدم.
80. tâ ta bây az ka ku munum. تا تو برگردی، در خانه می‌مانم.
81. Beruz antâ ku darz xunu. بهروز اینجا درس می‌خواند.
82. gušt âvtâv-i ku budalaka. گوشت در آفتاب می‌گندد.
83. âvtâv âsmân-i ku barma. خورشید در آسمان می‌درخشد.

84. a âlbâlu **tung-i ku** daxšənə. او آلبالو را در پارچ می‌خیساند.
85. xerdani **tâsku ku** gəzarâvəndəma. کودکی را در طاسکوه به سر بردم.
86. čada **gula ku** âv dariya? چقدر در کوزه آب هست؟
87. šumna gusandun **jangal-i ku** čârəna. چویان گوسفندان را در جنگل می‌چرانند.
88. **hič jâ ku** nešây ay tələfte. هیچ کجا نمی‌توانی او را پیدا کنی.
89. mə tupi **havâ ku** gârdendama. من توپ را در هوا چرخاندم.
90. esba **sabza ku** peštegelela kara. سگ در چمن غلت می‌زند.
91. âv **qavajuši ku** gəl kara. آب در کتری می‌جوشد.
92. Hasan **xun-i ku** dalaka. حسن در خون غلتید.
93. xalâwun **lâfand-i ku** viraz. لباس‌ها را روی طناب آویزان کن.
- ۳.۱.۶. حالت مشخص زمانی^۱
94. **həm sâhat-i ku** darz dârə. در این ساعت درس دارد.
95. gulen **bahâr-i ku** âbun. گل‌ها در بهار می‌شکفند.
- ۴.۱.۶. حالت ازی
96. **mə ku** čə xây? از من چه می‌خواهی؟
97. čəma gusandi zur **ay ku** vigeram. حتماً گوسفند خود را از او می‌گیرم.
98. **ay ku** divnatar de ūma niya. از او دیوانه‌تر دیگر کسی نیامده است.
99. xerden **eštan nana sina ku** šət hara. بچه از سینه مادرش شیر می‌مکد.
100. a **aminya das-i ku** davašta. او از دست پلیس فرار کرد.
101. zaminunšun **avun ku** vigeta. زمین‌ها را از آنان پس گرفته‌اند.
102. xəliki **ay ku** vige. بیل را از او بگیر.
103. a zuwa partaxâlun **dâr-i ku** čindeša. آن پسر پرتقال‌ها را از درخت چید.
104. a **asb-i ku** tarsə. او از اسب می‌ترسد.

1) essive

105. âftâv xəri pešt-i ku barma. نور خورشید از پشت ابر بیرون تابید.
106. ku ku jir balaka. از کوه پایین افتاد.
107. az Abâs âqâ das-i ku badəm uma. من از عباس آقا بدم آمد.
108. Amad bələnda diyâr-i ku peša. احمد از دیوار بلندی بالا رفت.
109. čangla harf tə ku dafarsəm. چند سؤال از تو می‌پرسم.
110. Ali Hasan-i ku jaldtara. علی زرنگ‌تر از حسن است.
111. Ali hamaye xardan-un ku zirangtara. علی زرنگ‌تر از همه بچه‌هاست.
112. Rəzâ əştan digar rafəq-un ku zudtar ka orasa. رضا زودتر از بقیه دوستانش به خانه رسید.

۲.۶. پس‌اضافهٔ rā

بعد از پس‌اضافهٔ rā نیز اسم / گروه اسمی به صورت غیرفاعلی به کار می‌رود. این پس‌اضافه، در پیکرهٔ مورد بررسی، تنها بعد از ضمائر به کار رفته است. در زیر، موارد مختلف کاربرد این پس‌اضافه را آورده‌ایم.

۱.۲.۶. حالت به‌ای

113. har kasi vindara ay rā bevâ. هرکه را دیدی به او بگو.

۲.۲.۶. حالت برایی

114. ila/i gəla ševâr mə rā xərīma. یک شلوار برای خودم خریدم.
115. ila/i gəla ševâr tə rā xərīra. یک شلوار برای خودت خریدی.
116. ila/i gəla ševâr əšta rā xərīša. یک شلوار برای خودش خرید.
117. ila/i gəla ševâr ama rā xərīmuna. یک شلوار برای خودمان خریدیم.
118. ila/i gəla ševâr šəma rā xərīruna. یک شلوار برای خودتان خریدید.
119. ila/i gəla ševâr əšta rā xərīšuna. یک شلوار برای خودشان خریدند.
120. igla šâla kəlâ mə rā vatəša. یک کلاه پشمی برایم بافت.
121. anda pul ay rā xayliya. این قدر پول برای او زیاد است.

122. esba lâsi sâya xəsə xiyal karə çe dumi ay rā sâya karda.

سگ در سایه صخره می‌خوابد، خیال می‌کند دمش برایش سایه کرده است.

۷. نتیجه‌گیری

گویش تالشی از آن دسته زبان‌هایی است که تنظیم نشانه‌های حالت، در آن، به عهده هسته‌های فعلی و هسته‌های پس‌اضافه‌ای است. این هسته‌ها، با توجه به حاکمیت خویش بر اسم‌ها، موجب اعطای حالت به آنها می‌گردند. در تالشی پس‌اضافه‌ها موجب اضافه‌شدن نشانه حالت غیرفاعلی به اسم / گروه اسمی قبلی می‌شوند. بیشتر حالت‌های معنایی در این زبان با تعامل پس‌اضافه‌ها و نشانه‌های حالت بازنموده می‌شود. نظام حالت در تالشی ماسال، در زمان حال، از نوع فاعلی - مفعولی و، در زمان گذشته، از نوع غیرفاعلی دوگانه است. استفاده از نظام غیرفاعلی دوگانه در زمان گذشته افعال متعدی باعث می‌شود که فاعل فعل متعدی و مفعول آن با یک نشانه واحد بازنموده شوند؛ بنابراین، تشخیص فاعل از مفعول تنها براساس نشانه حالت همیشه آسان نیست، مخصوصاً زمانی که هم فاعل و هم مفعول جاندار / انسان باشند. ترتیب کلمات و تقدم فاعل بر مفعول می‌تواند این مشکل را حل کند. به همین دلیل، در زمان گذشته تالشی ماسال، ترتیب کلمات نقش دستوری کسب کرده و، به عبارت دیگر، دستوری شده است. این بدان معناست که نقش نشانه‌های حالت کم‌رنگ‌تر شده است و احتمال از بین رفتن آنها وجود دارد؛ درست مانند حذف نشانه غیرفاعلی قبل از -de و، (تاجدی، -na). با این حال، وجود پس‌اضافه‌هایی که ناظر بر اعطای حالت به اسم قبلی هستند بقای نشانه حالت را در تالشی تضمین می‌کند، زیرا می‌دانیم پس‌اضافه‌ها یکی از منشأهای مهم ایجاد نشانه‌های حالت هستند. این تغییر، یعنی تبدیل پس‌اضافه به پسوند حالت، را هم‌اکنون نیز می‌توانیم در صورت‌های -de و -na مشاهده کنیم.

منابع

رضایتی کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۲، «چند نکته دستوری در گویش تالشی»، گویش‌شناسی، ضمیمه نامه فرهنگستان. ش ۱، ص ۴۱-۵۲.

_____، ۱۳۸۴، «ارگتیو در گویش تالشی»، مجله زبان‌شناسی، ش پیاپی ۳۹، ص ۱۱۳-۱۲۶.
سایپر، ادوارد، ۱۳۷۶، زبان، درآمدی بر مطالعه سخن گفتن، ترجمه علی محمد حق‌شناس، تهران.

کلباسی، ایران، ۱۳۶۷، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، *مجله زبان‌شناسی*، ش پیاپی ۱۰، ص ۷۰-۸۷.
نفرگوی کهن، مهرداد، ۱۳۸۷، «بررسی فرایند دستوری‌شدگی در فارسی جدید»، *دستور*، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان.
ش پیاپی ۴، ص ۲۴-۳.
_____، ۱۳۸۹، «چگونگی شناسایی موارد دستوری‌شدگی»، *مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره اول،
ش ۲، ص ۱۴۹-۱۶۵.

BLAKE, B. J., 2004, *Case*, 2nd ed., New York.

COMRIÉ, B., 1989, *Language Universals and Linguistic Typology*, 2nd ed., Oxford.

DIXON, R. M. W., 1994, *Ergativity*, Cambridge.

DODD, B. et al., 2003, *Modern German Grammar: A Practical Guide*, 2nd ed., London.

FOX, A., 2005, *The Structure of German*, 2nd ed., Oxford.

HARRIS, A. C. and CAMPBELL, L., 1995, *Historical Syntax in Cross-linguistic Perspective*, Cambridge.

HASPELMATH, M., 2002, *Understanding Morphology*, London.

HEINE, B., 2009, "Grammaticalization of Cases", *Case*, eds. A. MALCHUKOV and A. SPENCER., Oxford and New York, pp. 458-469

HEINE, B. and KUTEVA, T., 2007, *The Genesis of Grammar: A Reconstruction*, Oxford.

HEIMBRECHT, J., 2008, "Decay and Loss of Applicatives in Siouan Languages: A Grammaticalization Perspective", *Studies on Grammaticalization*, eds. E. VERHOEVEN, et al., Berlin and New York, pp. 135-155.

KULIKOV, L., 2009, "Evolution of Case Systems", *Case*, eds. A. MALCHUKOV and A. SPENCER, Oxford and New York, pp. 439-457

KUNO, S., 1978, "Japanese: A Characteristic OV Language", in *Syntactic Typology: Studies in the Phenomenology of Language*, ed. W. P. LEHMANN, Sussex, pp. 57-138.

MILLER, B. V., 1953, *Talyšskij jazyk*, Moskva.

NICHOLS, J., 1986, "Head-marking and Dependent-marking Grammar", *Language*, 62, pp. 56-119.

PAYNE, J. R., 1980, "The Decay of Ergativity in Pamir Languages", *Lingua*, 51, pp. 147-186.

SAPIR, E., 1917, "Review of C. C. Uhlenbeck, Het passieve karakter van het verbum transitivum of van het verbum actionis in talen van Noord-Amerika". *International Journal of American Linguistics*, 1, pp. 82-86.

SCHULZE, W., 2000, *Palangi Ahvolot: The Morphosyntax of a Northern Talysh Oral Account*, München.

STILO, D. L., 1981, "The Tati Group in the Sociolinguistic Context of Northwestern Iran", *Iranian Studies*, vol. 14, No. 3/4 (Summer - Autumn), pp. 137-187.

_____, 2009, "Case in Iranian, from Reduction and Loss to Innovation and Renewal", *Case*, eds. A. MALCHUKOV and A. SPENCER, Oxford and New York, pp. 700-715.

TRASK, R. L., 1996, *Historical Linguistics*, London.

WENDLAND, A., 2008, "On the Ergativity in the Pamir Languages", *Aspects of Iranian Linguistics*, eds. S. KARIMI, D. STILO and V. SAMIIAN, Newcastle, pp. 419-433.